

ویژه‌گی‌های عرفان شیخ الاسلام انصاری

پژوهشگر: پوهنوال فضل الرحمن فقیهی

چکیده

شیخ الاسلام انصاری از عارفانی است که معرفت مخصوص به خود را داراست. وی در نظریه‌های عرفانی خود سلفی‌گری و صوفی‌گری را به هم پیوند داده و این ویژه‌گی تنها در معرفت او نهادینه شده است. وی در افکار خود بیشتر نصوص گرایشی را پیشه‌اش ساخته از تأویل و عقل‌گرایی دوری می‌جوید. پیر هرات در معرفت و عمل، شریعت محور بوده با بدعت‌ها همیشه ستیز داشته است. به همین گونه وی ضمن سخت‌گیری در پابندی به عقاید و افکارش، در برخورد با دیگران روش تعادل و میانه روی را دارا بوده است. نظریات عرفانی پیر هرات، شیخ الاسلام خواجه عبد الله انصاری سالم‌تر از دیدگاه‌های سایر اهل عرفان است؛ شناخت ویژه‌گی‌های عرفان خواجه، تصادم‌های موجود میان دیدگاه‌های سایر اندیشمندان را حل می‌نماید و وجوه و امکان مصالحه میان دیدگاه‌های متشرعان و عرفا را برملا خواهد ساخت.

واژگان کلیدی: انصاری، عرفان، نصوص گرایی، سلفیت، تأویل، عقل گرایی.

مقدمه

شیخ الاسلام خواجه عبد الله انصاری (۳۹۶ - ۴۸۱ ه.ق.) (ابن ابی یعلی: ج ۲، ص ۲۴۷) از شخصیت های جهانی در حوزه علوم اسلامی از قبیل تفسیر، حدیث، عقیده، تصوف و عرفان است؛ از همین رو به القابی چون شیخ الاسلام، خطیب عجم، پیر هرات و سلطان العلماء از طرف اهل علم و سیاست لقب داده شده بود. (ابن نقطه؛ ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۳۲۳)

به همین گونه وی از بزرگان ادب در حوزه ادبیات فارسی و عربی و از قوی ترین نظریه پردازان در حوزه تصوف و عرفان اسلامی به شمار می رود؛ از اینرو شناخت آن مرد بزرگ و افکار وی برای اهل مطالعه و تحقیق در تمام بخش های یادشده بسیار ضرور و حایز اهمیت است.

از بخش های مهم در حوزه شناخت افکار شیخ الاسلام انصاری، عرفان اوست؛ چه عرفان وی همچنان که دارای ویژه گی های منحصر به شخصیت علمی اوست، فرامنطقه یی می باشد و از آنجا که تلفیقی میان اندیشه های صوفیانه و متشرعانه است، در همه جهان مورد توجه ارباب معرفت و پژوهش قرار گرفته است؛ چنانچه آثارش از طرف بزرگترین دانشمندان مورد عنایت قرار گرفته و بر آن ها شروحن نگاشته شده است.

بسیاری از اهل جامعه ما از شیخ الاسلام انصاری و افکارش اطلاع درستی ندارند و تنها با خوانش مناجات های پرسوزش به وی دل باخته اند. این در حالی است که هرچند سخنان مسجع و مناجات های زیبایش ارزش والا دارند؛ اما افکار و نظریاتش از اهمیت و ارزش والاتر برخوردار بوده، ارباب تحقیق را به سوی مدارج معرفت و کمال رهبری می نماید. این مقاله به بیان ویژه گی های عرفان شیخ الاسلام می پردازد و بیان خواهد داشت که عرفان پیر هرات با عرفان دیگر اهل عرفان چه تفاوت هایی دارد؟ آیا ممکن است یک عارف متشرع باشد و چه گونه می توان میان دیدگاه های متشرعان و عرفا آشتی برقرار کرد؟ تفاوت های دیدگاه های انصاری با دیگران چیست و آیا شریعت مداری عارفانه و عرفان شریعت مدارانه ممکن است؟ ویژه گی های عرفان پیر هرات در چند استقامت قابل مطالعه و بررسی اند که در زیر به

بحث گرفته می‌شوند:

۱. تلفیق سلفی‌گری و صوفی‌گری

شیخ الاسلام انصاری، صوفی سلفی است. این ویژه‌گی او را به طور کامل از سایر صوفیان و عارفان متمایز ساخته است؛ زیرا بیشتر صوفیان مسلمان در مواردی روش‌های متفاوت با طریق سلف صالح اختیار کرده‌اند. او در حالی که عارف و صوفی سرشار از محبت الهی است و مناجات‌های وی سوز و درد محبت قلبی وی را نماینده‌گی می‌نماید، در امور عقیده و اندیشه‌هایش سخت به روش سلف صالح روان است و هیچ تخلف را نمی‌پذیرد؛ به گونه‌ی مثال وی در عقیده‌اش به استوای حق بر عرش، و اثبات علو و فوقیت حق تعالی بر عرش قایل است: «این نوع عقیده از شیخ الاسلام ابی اسماعیل الانصاری در کتاب الفاروق همراه با اسناد نقل شده است». (ابن قیم، ۱۴۰۸: ج ۲ ص ۱۳۹).

به همین گونه وی ظاهر گراست و به ظاهر نصوص شرعی عمل می‌کند. همچنان که اهل دانش در دوره نخستین روش خود قرار می‌دادند. وی در رساله سؤال دل از جان در مورد شناخت و معرفت خود از حق تعالی می‌گوید: «بنای اعمال عبد الله بر سه چیز است: اثبات حقیقت بی‌افراط؛ و نفی تشبیه و تعلیل و تعطیل؛ و بر ظاهر رفتن بی‌تخلیط. دانم که هست؛ اما ندانم که چون است، هر که دانست که چون است، از دایره اسلام بیرون است، دریافت او از امکان ما بیرون است». (انصاری، ۱۳۸۰: ص ۳۹۲).

ریشه‌یابی این ویژه‌گی

علت اینکه شیخ الاسلام انصاری توانسته برخلاف بیشتر مشایخ صوفیه میان صوفی‌گری و سلفی‌گری تلفیق ایجاد کند، دو چیز می‌تواند باشد:

الف. یکی حنبلی بودن وی در پهلوی صوفی بودن وی است که او را عارفی ظاهرگرا ساخته که به ظاهر نصوص عمل می‌نماید و این روش سلف صالح است. شیخ الاسلام حنبلی بوده و از حنبلی بودن خود در مواضع گوناگون یاد می‌نماید. همچنان که در این ابیات گفته است:

أنا حنبلی ما حییت فإن أمت

فوصیتی ذاکم إلی إخوانی

إذ دینه دینی ودینی دینه

ما کنت إمعۀ لک دینان (ابن ابی یعلی: ج ۲، ص ۲۴۷)

و در جای دیگر ضمن اینکه خود را حنبلی می داند دیگران را نیز به حنبلی بودن توصیه کرده است:

أنا حنبلی ما حییت وإن أمت

فوصیتی للناس أن یتحنبلوا (ذهبی، ۱۴۱۹: ج ۳ ص ۲۵۰)

ب. تربیت یابی دو گانه پیر هرات است؛ یعنی که او هم از مشایخ صوفیه و هم از اهل تفسیر و حدیث آموزش و تربیت یافته بود. وی از هنگام خوردسالی تحت تربیت بزرگان دانش و ادب دینی قرار گرفت؛ چنانچه گفته است: «چون نه ساله شدم املاء می نوشتم؛ از قاضی ابومنصور و از جارودی» (جامی، ۱۳۶۵: ص ۳۳۴)؛ به همین گونه از وی نقل شده که گفته است: «من در تذکیر و تفسیر قرآن، شاگرد خواجه امام یحیی عمارم، اگر من وی را ندیدمی دهان باز نتوانستمی کرد؛ یعنی در تذکیر و تفسیر». (جامی، ۱۳۶۵: ص ۳۳۵) در تذکیره های عربی نیز ابراز نظر شده که شیخ الاسلام حدیث را از حافظ ابی الفضل الجارودی هروی و تفسیر را از ابی زکریا یحیی بن عمار شیبانی مفسر حنبلی فرا گرفته است. (ابن ابی یعلی: ج ۲، ص ۲۴۷)

در این برابر شیخ الاسلام انصاری همزمان از بزرگان تصوف و عرفان دوران خود بهره برده و از اندیشه ها و افکار شان مستفید شده است. معروفترین استادان طریقت پیر هرات شیخ ابوالحسن خرقانی است. جامی در نفحات الانس از شیخ الاسلام نقل کرده که گفت: «پیر من در تصوف و حقیقت شیخ ابوالحسن خرقانی است رحمه الله تعالی، اگر من خرقانی را ندیدمی حقیقت ندانستمی». (جامی، ۱۳۶۵: ص ۳۳۶)

به همین گونه وی از مشایخ بزرگی چون ابو عبدالله محمد بن الفضل بن محمد الطاقی

السجستانی الهروی (م ۴۱۰ هـ ق)، شیخ احمد حاجی، شیخ ابوسلمه باوردی خطیب صوفی سیاح، شیخ ابو علی بوته گر، شیخ ابوعلی زرگر، شیخ اسماعیل دباس جیرفتی، ابواسماعیل احمد بن محمد بن حمزه صوفی معروف به شیخ عمو و شیخ ابو حفص محمد کورتی استفاده‌های روحانی برده و مشایخ او بوده اند. (جامی؛ ۱۳۶۵: ص ۳۴۲-۳۴۴)

۲. نصوص گرای و دوری از تأویل و عقل گرایی

از خصوصیت‌های بارز عرفان پیر هرات، نصوص گرایی است؛ از همین است که وی از تأویل و عقل گرایی محض، دوری جسته است. این ویژه گی در موارد زیر قابل مطالعه است:

الف. بنای عقیده بر اساس ظواهر نصوص: امام ذهبی از سمعانی نقل کرده که شیخ الاسلام انصاری در کتابش الفاروق، با دلایلی از احادیث صحیح و حسن، ثابت ساخته که الله تعالی بر عرش که بالای آسمان هفتم است استوا دارد و از مخلوقاتش باین است. او دلایلی را از کتاب و حدیث ارائه داشته که خداوند فوق آسمان هفتم، بر عرش است؛ اما علم و قدرت و سمع و نظر و رحمتش در هر مکان است. (ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۱۴، ص ۴۱) نصوص گرایی شیخ الاسلام انصاری از اینجا هم هویدا می شود که وی بر صحت روایات با تکیه به اسناد آنها تأکید کرده است؛ چنانچه در کتاب ذم الکلامش به سلسله اسناد خود از جارودی، از عبد الرحمن بن احمد انماطی، از صالح بن حسین از عبد الصمد بن حسان از ثوری روایت کرده که گفت: «الإِسْنَادُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ سِلَاحٌ فَبِأَيِّ شَيْءٍ يُقَاتِلُ». (انصاری؛ ۱۴۱۸: ج ۵، ص ۱۰۳)

(اسناد سلاح مؤمن است؛ هرگاه سلاحی نداشته باشد با چه چیزی جنگ می نماید).

ب. رد تأویل با تأیید امامان چهارگانه: شیخ الاسلام از تأویل و تأویل گرایی دوری جسته است. او در حالی که راه امامان مذاهب اهل سنت را تأیید کرده است، روش برخی پیروان این امامان را که با تأویل نصوص از روش آن بزرگواران حاشیه رفتند، رد می نماید. در رساله «از مجموعه ۷۷۸ هجری» می گوید: «حنیفی باش، نه معتزلی؛ شافعی باش نه اشعری؛ حنبلی باش، نه مجسمی». (انصاری، ۱۳۸۰: ص ۶۸۹) او به گونه دقیق با این بیان خود دو دیدگاه تأویل و

تجسیم را که از طرف برخی پیروان این مذاهب ترویج می شد به نقد گرفته و به رد آن اندیشه ها پرداخته است؛ از همین است که وی با اهل تأویل چون اشاعره و ماتریدیه سرستیز داشته است. ابن ابی یعلی روایت کرده که خواجه انصار «بر اشعریان بسیار سخت گیری می کرد». (ابن ابی یعلی: ج ۲، ص ۲۴۷)

ج. تأکید بر ایمان سمعی و روایی: از مظاهر نصوص گرایی شیخ الاسلام انصاری تأکید وی بر ایمان سمعی و روایی است؛ نه عقل گرایی محض. از وی نقل شده که گفته است: «ایمان ما از راه سمع است نه به حیل عقل؛ به قبول و تسلیم است نه به تأویل و تصرف». (مبذی، ۱۳۷۱: ۶: ۳۱۲) همچنان در کشف الاسرار از وی روایت شده که گفته است: «استوای خداوند بر عرش در قرآن است و مرا بر این ایمان است، تأویل نجویم که تأویل در این باب طغیان است، ظاهر قبول کنم و باطن تسلیم؛ این اعتقاد سنیان است و نادر یافته به جان پذیرفته، طریقت ایشان است». (مبذی، ۱۳۷۱: ۶: ۱۱۱)

د. اتکا به کتاب و سنت در مناظره: شیخ الاسلام انصاری در مناظره تنها به کتاب و سنت اکتفا می کرد. وقتی به مناظره حاضر شد گفت: من با آنچه در آستین من است مناظره می نمایم. گفتند: در آستین چیست؟ با اشاره به آستین راستش گفت که کتاب خداست و با اشاره به آستین چپش گفت که سنت رسول الله است و در آن صحیح بخاری و صحیح مسلم نمایان بود. (ذهبی، ۱۴۱۹: ج ۳ ص ۲۵۱؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۱۴، ص ۴۰)

به همین گونه او تأکید بر سنت کرده و ترک آن را موجب بدروزی و هلاکت می شمرد. وی در کتاب ذم الکلام خود از عبد الله بن المبارک روایت کرده که گفته است: «مَنْ تَهَاوَنَ بِالْأَدَبِ عُوقِبَ بِحِرْمَانِ السُّنَنِ وَمَنْ تَهَاوَنَ بِالسُّنَنِ عُوقِبَ بِحِرْمَانِ الْفَرَائِضِ وَمَنْ تَهَاوَنَ بِالْفَرَائِضِ عُوقِبَ بِحِرْمَانِ الْمَعْرِفَةِ». (انصاری، ۱۴۱۸: ج ۵، ص ۲۱۷)

ه. تمسک به نصوص در نظریات عارفانه: وی برای اثبات نظریات عارفانه اش به اینکه میان بنده و خدایش هزار مقام (به اساس گفته خضر و مطابق رأی کتانی)، هزار علم (به اساس نظر

ذوالنون)، هزار قصر (به اساس رأی جنید)، در رساله صد میدان به این آیه قرآن کریم استدلال جسته است: أَفَمَنْ أَتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبُئْسَ الْمَصِيرُ. هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ (آل عمران: ۱۶۲-۱۶۳) و نیز به این سؤال جبرئیل علیه السلام تمسک جسته که چون از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید: «مالاحسان؟»، فرمودند: «ان تعبد الله کانک تراه، فإن لم تکن تراه فإنه یراک». (انصاری، ۱۳۸۰: ص ۲۵۶)

۳. شریعت محوری و ستیز با بدعات

از ویژه‌گی‌های بارز عرفان پیر هرات، شریعت محوری و ستیز با بدعت‌هاست. این ویژه‌گی در عرفان آن مرد بزرگ در امور آشکار است که در زیر به بحث گرفته می‌شوند:

الف. دوری از توسل‌های نامشروع و اختلافی: یکی از مظاهر شریعت محوری پیر هرات این است که از توسل‌های نامشروع دوری جسته است. در آثاری که از وی به جا مانده، برخلاف آثار سایر صوفیه و اهل عرفان، چنین توسل‌هایی به چشم نمی‌خورد. طوری که مطالعه می‌شود. وی «رساله چهل و دو فصل» خویش را با عبارت «و صلی الله علی محمد و آله اجمعین» به پایان برده است. (انصاری، ۱۳۸۰: ص ۲۵۲) به همین گونه رساله صد میدان را با عبارات: «وصلوات الله علی خیر خلقه محمد و آله وسلم تسلیماً کثیراً» اختتام بخشیده است. (انصاری، ۱۳۸۰: ص ۳۳۳)

ب. تأکید بر سلامت عقیده از بدعت‌ها: شیخ الاسلام انصاری از بدعت‌ها در حوزه عقیده سخت تبرا می‌جسته و این امر را از هر گونه گناه عملی زشت تر و ناپسند تر دانسته است. وی در رساله چهل و دو فصل خود گفته است: «آن کس که دیوانش سیاه است، نه چون آن کس است که ایمانش تباه است». (انصاری؛ ۱۳۸۰: ص ۱۰۵) به همین گونه در رساله «پردۀ حجاب حقیقت ایمان» گفته است: «سُنَّیِ مَسْتِ افتاده در خُمَار، به از مبتدعِ آناء اللیل و اطراف النهار...». (انصاری، ۱۳۸۰: ص ۵۳۱)

ج. خصومت ورزی به خاط بدعت: حساسیت شیخ الاسلام در برابر بدعت‌ها به اندازه‌ی

بوده که او به خاطر مشاهده بدعتی حتی بزرگان مشایخ حدیث را ترک کرده است. ذهبی از وی روایت کرد که گفته است: حیری (یکی از مشایخ حدیث) را به خاطر خداوند ترک کردم؛ به دلیل آنکه از وی چیزی خلاف سنت شنیده بود. (ذهبی، ۱۴۲۷: ج ۱۴، ص ۳۷) به همین گونه در مورد ابوسعید ابوالخیر می گوید: «چون به نزدیک وی شدم، برای من بر پای خاست تمام، و وی مرا تعظیم داشت که اندک کسی را داشتی؛ لیکن مرا با وی نقاری از بهر اعتقاد است...». (جامی، ۱۳۶۵: ص ۳۴۵)

۴. مراعات تعادل در همه امور

با وجود سخت گیری هایی که شیخ الاسلام انصاری بدان معروف بوده است، تعادل در امور را نیز در باب تفکر دینی حفظ می کرده و این از ویژگی های متبازل افکار وی بوده است. این خصوصیت در افکار وی در امور زیر قابل مطالعه اند:

الف. در خوف و رجاء و محبت: هرچند گاهی در سخنان پیر هرات، محبت به اوج خود رسیده است؛ اما وی تعادل در این امر را حفظ کرده است. وی در باره این موضوع در رساله ذکر گفته است: «ایمان سه وجه است: بیم است و امید است و مهر است. بیم چنان که ترا از معصیت باز دارد، و امید چنان که ترا بر طاعت دارد و مهر چنان باید که در دل تو تخم خدمت کارد. هرکه چنین بود ایمان وی ایمان بود و هرکه جز این بود در گور او ایمان نبود». (انصاری، ۱۳۸۰: ص ۴۱۴) این در حالی است که در اندیشه شماری از صوفیه و اهل عرفان، جنبه محبت چنان غلبه یافته که برخلاف مدلول نصوص شرعی بی پروایی خود را نسبت به بهشت و دوزخ ابراز داشته اند.

ب. در برابر ملامتیه: وی در این مشرب نیز روش متعادل را اختیار کرده؛ چنان که نه به رد کامل و نه به تأیید آن پرداخته است؛ چنانچه در رساله سؤال دل از جان گفته است: «ملامت شاخی است از طریقت؛ اما بر نفی خویش نه بر شریعت». (انصاری، ۱۳۸۰: ص ۳۸۱)

ج. در مدارا با شطحیه پردازان: این امر یکی دیگر از نشانه های تعادل پیر هرات در تفکر و اندیشه است. وی در برابر صوفیانی که به سخنان شطح پرداختند، نظری متعادل داشته. همچنان

که خود به این گونه سخنان اقدام نکرده در مورد گفتار آنان احتیاط را به کار برده است. در مورد منصور حلاج در رساله سؤال دل از جان گفته است: «الهی شراب شوق در جان حسین منصور حلاج افزون شد، آن شراب در آن جام نگنجید به سر بیرون شد...». (انصاری، ۱۳۸۰: ص ۳۸۲) باز در رساله ذکرش گفته است: «آنچه حسین بن منصور گفت من گفتم؛ اما او آشکارا گفت و من نهفتم». (انصاری، ۱۳۸۰: ص ۴۲۲)

د. در برخورد با مخالفان: شیخ الاسلام در برخورد با مخالفان نیز روش منصفانه داشته و تنها با کسانی سر ستیز داشته که با تحکم دلیل پذیر نبوده اند؛ اما در برابر کسانی که چنین نبوده اند یا از افکارش خبر نداشته اند، از عفو و گذشت کار گرفته است. از وی نقل شده که گفته است: هر که مجلس و سخنان تذکیر مرا ندیده و به من طعن وارد کند، او را عفو کرده ام. (ذهبی، ۱۴۱۹: ج ۳ ص ۲۵۲)

هـ. در گونه های توحید: پیر هرات به دلیل آنچه گذشت، قایل به توحید شهودی است نه توحید وجودی. دلیل آن این است که وی نخواسته در اندیشه پردازی های صوفیانه مانند ارباب توحید وجودی افراطی باشد؛ بلکه خواسته تعادل داشته باشد؛ به گونه ای که اصول شریعت را مراعات کرده باشد؛ از اینرو در آثار او توحید شهودی جلوه گر است؛ نه توحید وجودی. هرچند گاهی در سخنان خود چنان غرق توحید می شود که برخی از آن توحید وجودی را گمان برده اند؛ اما اهل تحقیق این گمانها را نادرست پنداشته اند. ابن القیم در مورد این شعری از شیخ الاسلام که مظنه توحید وجودی را برمی تابد، به رد توحید وجودی در نگاه شیخ الاسلام پرداخته است. شعر یادشده این است:

مَا وَحَدَ الْوَاحِدَ مِنْ وَاحِدٍ
إِذْ كُلُّ مَنْ وَحَدَهُ جَاوِدٌ
تَوْحِيدُ مَنْ يَنْطِقُ عَنْ نَعْتِهِ
عَارِيَّةٌ أَبْطَلَهَا الْوَاحِدُ

تَوْحِيدُهُ إِيَّاهُ تَوْحِيدُهُ

وَنَعْتُ مَنْ يَنْعَتُهُ لَاحِدٌ

ابن القيم در ذیل این شعر در اثرشف اجتماع الجیوش الإسلامیه گفته است:
 «از همین جا اتحادی وارد بحث می شود و به سخنان او استدلال می ورزد؛ اما بعید است که
 شیخ الاسلام به جانب اندیشه اتحادی، الحاد بورزد؛ اگر چه عبارت وی گمان پروری می نماید
 و در ظاهر چنین چیزی را می رساند. او با سخنانش انکار در شهود را اراده داشته، نه انکار در
 وجود را؛ یعنی از شهود علمی انکار ورزیده است، نه از وجود عینی خارجی». (ابن قیم، ۱۴۱۶:
 ج ۱، ص ۱۷۰)

نتیجه گیری

از آنچه تا اینجا گفته آمد نتیجه به دست می آید که عرفان شیخ الاسلام انصاری ویژه گی
 سلفی گری و صوفی گری را در خود پرورده است و این ویژه گی است که کمتر در
 اندیشه های عرفانی سایر اهل عرفان قابل مطالعه است. دلیل آن عبارت از تعادلی بوده که آن را
 شیخ الاسلام در هنگام آموزش های علمی خود دریافته بوده است. پیر هرات در پرتو ظاهر
 نصوص پرورش یافته و از تأویل و عقل گرایی در نظریه پردازی هایش دوری جسته است؛ از
 اینرو دوری از تأویل و نصوص گرایی یکی دیگر از ویژه گی های عرفان او می باشد.
 شیخ الاسلام انصاری با ارائه اندیشه های خود با بدعات سر ستیز داشته است. این امر باعث
 شده که عرفان وی از بدعات مبرا باشد. با وجود سخت گیری و جزم اندیشی که پیر هرات در
 پرتو نصوص شرعی، در عقاید خود داشته، تعادل در امور را نیز مراعات می نموده و در امور
 غیر قطعی احتیاط می کرده است. همچنان عرفان شیخ الاسلام، اساس وحدت الشهودی داشته و
 به توحید وجودی مصداق نمی یافته است؛ بنابراین اموری از قبیل تلفیق سلفی گری و
 صوفی گری، نصوص گرایی، دوری از تأویل و عقل گرایی، شریعت محوری، ستیز با بدعات،
 تعادل در تفکر و عمل و برابری با مشرب توحید شهودی را از ویژه گی های عرفان پیر هرات

دانسته می‌شود.

منابع

۱. ابن ابی‌یعلی، ابو الحسین، محمد بن محمد. (ب ت). طبقات الحنابلة. تحقیق محمد حامد الفقی. دوجلد. بیروت: دار المعرفة.
۲. ابن قیم الجوزیه، شمس الدین محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد. (۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م). اجتماع الجيوش الإسلامية. تحقیق عواد عبد الله المعتق. دوجلد. ریاض: چاپ اول. مطابع الفرزدق التجارية.
۳. ابن نقطة الحنبلی البغدادی، معین الدین محمد بن عبد الغنی بن ابی بکر بن شجاع. (۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م). التقييد لمعرفة رواة السنن والمسانيد. تحقیق کمال یوسف الحوت. (?): چاپ اول. دار الكتب العلمية.
۴. انصاری، عبد الله انصاری. (۱۴۱۸ ق). ذم الکلام وأهله. تحقیق عبد الرحمن عبد العزيز شبل. مدینه منوره: چاپ اول. مكتبة العلوم والحكم.
۵. _____ (۱۳۸۰). رساله چهل و دو فصل. به تصحیح و مقدمه محمد سرور مولایی. تهران: چاپ دوم. انتشارات توس.
۶. _____ (۱۳۸۰). رساله صد میدان. به تصحیح و مقدمه محمد سرور مولایی. تهران: چاپ دوم. انتشارات توس.
۷. _____ (۱۳۸۰). رساله ذکر. به تصحیح و مقدمه محمد سرور مولایی. تهران: چاپ دوم. انتشارات توس.
۸. _____ (۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۸ م). ذم الکلام واهله. تحقیق عبد الرحمن عبد العزيز الشبل. پنج جلد. مدینه منوره: مكتبة العلوم والحكم.
۹. _____ (۱۳۸۰). پرده حجاب حقیقت ایمان. به تصحیح و مقدمه محمد

سرور مولایی. تهران: چاپ دوم. انتشارات توس.

۱۰. _____ (۱۳۸۰). رساله سؤال دل از جان. به تصحیح و مقدمه محمد

سرور مولایی. تهران: چاپ دوم. انتشارات توس.

۱۱. جامی، نورالدین عبدالرحمن. (۱۳۶۵). نفحات الانس من حضرات القدس. با مقدمه

مهدی توحیدی پور. تهران: چاپ اول. امیرکبیر.

۱۲. ذهبی، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز. (۱۴۲۷هـ -

۲۰۰۶م.). سیر اعلام النبلاء. ۱۸ جلد، قاهره: دار الحديث.

۱۳. ذهبی، شمس الدین ابو عبد الله محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز. (۱۴۱۹هـ -

۱۹۹۸م.). تذکرة الحفاظ. ۴ مجلد. بیروت - لبنان: چاپ اول. دار الکتب العلمیه.

۱۴. میبذی، ابو الفضل، رشید الدین. (۱۳۷۱هـ.ش). کشف الاسرار و عدة الابرار. به تصحیح

محمد جواد شریعت. تهران: چاپ دوم. امیرکبیر.